

Cooperative Economics and Social Justice: A New Interpretation of Martyr Beheshti's Thought

Nazila Akhlaghi¹  | Mahdi Hoseinzade Yazdi²  | Farshad Momeni³ 

1. Ph.D. Candidate, Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran; Tehran, Iran. E-mail: nazilaakhlaghi@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran; Tehran, Iran. E-mail: ma.hoseinzadeh@ut.ac.ir

3. Professor, Department of Economic Planning and Development, Faculty of Economic, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: f.momeni@atu.ac.ir

ABSTRACT

Social justice, as one of the most fundamental concepts in Islamic thought, has consistently occupied a central place in intellectual discourse. Nevertheless, within contemporary discursive frameworks, this concept has often been reduced to compensatory and redistributive policies, while its structural and institutional dimensions have been largely neglected. The present study seeks to examine the position of cooperative economics in the thought of Ayatollah Martyr Dr. Seyyed Mohammad Hosseini Beheshti and to explain the reasons for its superiority over both free market and state centered economic models in achieving social justice. The findings indicate that, from Beheshti's perspective, social justice cannot be realized solely through the redistribution of wealth; rather, it requires the reform of production structures and ownership relations. The free market economy, due to the dominance of capital, and the state run economy, because of its control over social structures, both constitute obstacles to justice. In contrast, cooperative economics—by emphasizing maximum participation, the fair distribution of opportunities, and the integration of labor and capital within a people oriented framework—provides a viable mechanism for realizing social justice in Islam. Accordingly, in this view cooperative economics is not merely a met

hod for organizing economic activity; rather, it represents an institutional mechanism that connects labor, capital, and social responsibility within the framework of Islamic values. Reviving the intellectual framework of Martyr Beheshti and rethinking the functions of cooperative economics can open new horizons for justice oriented policymaking within the Islamic system.

Keywords:

cooperative economics

Martyr Beheshti

Social justice,,

مسئله اقتصاد تعاونی و عدالت اجتماعی؛ قرائتی نو از منظومه فکری شهید بهشتی

نازیلا اخلاقی^۱، مهدی حسین زاده یزدی^۲، فرشاد مؤمنی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: nazilaakhlaghi@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ma.hoseinzadeh@ut.ac.ir

۳. استاد گروه برنامه ریزی و توسعه اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: f.momeni@atu.ac.ir

چکیده

عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی همواره در کانون نظوروزیها قرار داشته است. با این حال، در فضای گفتمانی معاصر این مفهوم غالباً به سیاستهای جبرانی و بازتوزیعی تقلیل یافته است و از ابعاد ساختاری و نهادی آن غفلت شده است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی جایگاه اقتصاد تعاونی در اندیشه شهید بهشتی و تبیین چرایی برتری آن بر الگوهای بازار آزاد و اقتصاد دولتی در تحقق عدالت اجتماعی صورت گرفته است. یافتهها نشان میدهد از نظر ایشان عدالت اجتماعی تنها از

طریق بازتوزیع ثروت محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند اصلاح ساختار تولید و مناسبات مالکیت است. اقتصاد بازار آزاد به دلیل پیامدهای حاکمیت سرمایه و اقتصاد دولتی به دلیل سلطه بر ساختارهای اجتماعی موانعی در برابر عدالتند. در مقابل اقتصاد تعاونی با تمرکز بر مشارکت حداکثری و توزیع عادلانه فرصت‌ها و تلفیق کار و سرمایه در چارچوبی مردمی، سازوکار تحقق عدالت اجتماعی در اسلام را ارائه می‌دهد. بر این اساس، اقتصاد تعاونی در این دیدگاه صرفاً شیوه سازماندهی فعالیت اقتصادی نیست، بلکه سازوکار نهادی برای پیوند میان کار، سرمایه و مسئولیت اجتماعی در بستر ارزش‌های اسلامی به شمار می‌آید. احیای منظومه فکری شهید بهشتی و بازاندیشی در کارکردهای اقتصاد تعاونی افق‌هایی نو برای سیاست‌گذاری مبتنی بر عدالت اجتماعی در نظام اسلامی فراهم می‌آورد.

کلید واژه‌ها: اقتصاد تعاونی، شهید بهشتی، عدالت اجتماعی

۱. مسئله پژوهش

شاید بتوان ادعا کرد در اسلام هیچ موضوعی به اندازه عدالت اجتماعی حائز اهمیت نیست و رصد حرکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه به سمت وضعیت عادلانه امری ضروری است. در این راستا باید توجه داشت چگونه می‌توان سیاست‌ها را تعدیل کرد و تغییراتی در آن‌ها به وجود آورد که عملکرد مؤثرتری متناسب با ویژگی‌های جوامع و اقتصادهای مربوط داشته باشند (Raghfar, 2021). با این وصف، عدالت اجتماعی امروزه در ایران در قالب مبتذل‌ترین شکل بازتوزیع ثروت فهم شده است. جالب اینجاست که دولت‌های عدالت‌محور در ایران، بیشتر از آنکه بر آموزش و بهداشت تمرکز کنند، در پرداخت یارانه مستقیم به مردم تمرکز می‌کنند. بنابراین، نابرابری هر روز در آموزش و پرورش تشدید می‌شود. این پرداخت سطحی‌ترین فهم از عدالت است (Zali, 2023). امروزه مواجهه ناکارآمد دولت‌ها در مالیات‌ستانی موجب شده است بر خلاف اصول اقتصادی در نظر گرفته شده در قانون اساسی، بالاترین سطح مالیات از نیروی کار و تولیدکنندگان دریافت شود. بازتوزیع نامطلوب ثروت در قالب پرداخت یارانه نیز نه تنها از محل اخذ مالیات‌ها تأمین نمی‌شود، بلکه از محل فروش دارایی‌های بین نسلی و تحمیل سیاست‌های تورم‌زا حاصل شده است که به غایت ظالمانه و ناعادلانه‌اند. از سوی دیگر، تجربه عملکرد چند دهه اخیر دولت‌ها نشان می‌دهد که میان مرکزیت گفتمانی عدالت و تحقق عینی و نهادی آن در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شکافی عمیق وجود دارد. استمرار نابرابری‌های ساختاری، بازتوزیع نامتوازن فرصت‌ها، بازتولید فقر و ضعف مشارکت واقعی گروه‌های مختلف اجتماعی در فرایندهای تصمیم‌گیری و بهره‌مندی از منافع، نشانه‌هایی آشکار از این شکاف است. یکی از ابعاد مهم این موضوع، فقدان پیوند روشن و صورت‌بندی شده میان نظریه عدالت اجتماعی و سازوکارهای نهادی تحقق آن در ساختار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است. عدالت اجتماعی، اگر صرفاً در سطح مفاهیم هنجاری باقی بماند و به طراحی نهادها، قواعد و سازوکارهای پایدار و اجرایی پیوند نخورد، به سختی می‌تواند به سامان‌دهنده ساختارها و روابط نظام اجتماعی مطلوب بدل شود. از این منظر، پرسش از «چگونگی تحقق عدالت اجتماعی» مهم‌تر و پیچیده‌تر از پرسش از «چیستی عدالت اجتماعی» است؛ زیرا پای طراحی نهادها، الگوهای مشارکت، شکل‌های مالکیت و چگونگی تصمیم‌گیری و توزیع منافع را به میان می‌آورد.

در میان اندیشمندان مسلمان معاصر، شهید آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ایشان از یک سو از پایه‌گذاران فکری و نظری جمهوری اسلامی و از سوی دیگر، از اندیشمندانی است که به پیوند میان عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع و طراحی نهادی نظام اقتصادی توجهی جدی داشته است. در آثار و سخنرانی‌های شهید بهشتی، عدالت اجتماعی تنها به عنوان یک آرمان اخلاقی مطرح نمی‌شود، بلکه به مثابه معیاری مبنایی برای ارزیابی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است. شهید بهشتی با رویکرد نظام‌مند به اسلام و رهنمودهای آن به مثابه راهنمای یک نظام حیات جمعی بر این باور است که اگر اسلام دین عدالت اجتماعی است، دینی که عدالت اجتماعی را محور آموزه‌های خود قرار داده است، باید در آن تمام ابتکارات، تدبیرها و چاره‌اندیشی‌ها به کار رود تا ستمگری پا نگردد و اگر گرفت زودتر سرنگون شود (Beheshti, 2018). در منظومه فکری شهید بهشتی، اقتصاد تعاونی به عنوان یکی از الگوهای اصلی سامان‌دهی اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر همکاری و مشارکت مردم، جایگاهی محوری دارد و به صورت روشن با بحث توسعه عادلانه و نظام‌سازی اسلامی گره می‌خورد. با وجود این جایگاه، به نظر می‌رسد اندیشه شهید بهشتی درباره عدالت اجتماعی و

اقتصاد تعاونی، بیش از آن که در قالب یک نظریه منسجم و صورت‌بندی‌شده تحلیل و بازسازی شده باشد، به‌شکلی پراکنده و موضوع‌محور در موضوعاتی همچون آزادی، ولایت فقیه، قانون اساسی و ... مورد ارجاع قرار گرفته است. با بیان مقدمات فوق اهمیت و ضرورت راهکار شهید بهشتی برای برقراری عدالت اجتماعی برجسته می‌شود. ایشان با نقدهای کوبنده بر اقتصاد بازار آزاد و نقد بر کاستی‌های اقتصاد دولتی، نقاط قوت اقتصاد تعاونی را تبیین کرده است. بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات بسیاری از منظر اسلام درباره اقتصاد بخش دولتی و خصوصی انجام شده است. در شرایطی که هیچ تحقیق عملی راهگشایی از منظر اسلامی درباره اقتصاد تعاونی صورت نگرفته است و از این جهت ادبیات علمی اقتصاد تعاونی از منظر اسلامی با فقر جدی مواجه است (Yusefi, 2016). به همین علت در این پژوهش تلاش شده است با تمرکز بر نقدهای اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد دولتی، دلایل توجه و تأکید شهید بهشتی به اقتصاد تعاونی از رهگذر ویژگی‌های آن شفاف شود و به پرسش اصلی پژوهش «چگونه اقتصاد تعاونی در دیدگاه شهید بهشتی عدالت اجتماعی را محقق سازد؟» پاسخ دهد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره اندیشه شهید بهشتی، بیشتر ناظر به موضوعاتی مانند نقش ایشان در ایجاد و تصویب قانون اساسی و نظریات ایشان درباره آزادی، ولایت فقیه و حکومت اسلامی است و توجه محدودی به دیدگاه این متفکر درباره عدالت شده است. برخی منابع مرتبط با عدالت، اشاراتی به اندیشه عدالت شهید بهشتی داشته‌اند، لکن توجهات گذرا و گاه سطحی است. به نظر می‌رسد کتاب «نظریه اسلامی عدالت اجتماعی» (Torabzadeh, 2020). جامع‌ترین اثری است که تقریری از نظریه عدالت متفکران دینی معاصر ارائه داده است. یکی از فصول این کتاب به اندیشه عدالت شهید بهشتی پرداخته است. مهم‌ترین نقطه ضعف کتاب آن است که متشکل از مجموعه مقالات ارائه شده در نشریات بوده و از انسجام کلی برخوردار نیست. همچنین در بیان نظریه عدالت شهید بهشتی، توجهی به بنیان‌های فلسفی اندیشه عدالت نشده است. اهتمام مرتضی فرهای در معرفی تاریخچه فرهنگ یاریگری و تعاون در ایران (Farhadi, 1990, 1992) و تعاونی‌های سنتی همانند واره و بنه (Farhadi, 2007) ستودنی است. تحقیقات ایشان به لحاظ تاریخی بیانگر این واقعیت است که فرهنگ ایرانیان تعاون‌پذیر است. با این وصف، فقر منابع در حیطه اقتصاد تعاونی نیز عیان است. کتاب «اقتصاد تعاونی از منظر اسلام» به قلم احمدعلی یوسفی تنها پژوهش جامعی است که در این حوزه انجام شده است. ادعای این پژوهش کشف الگوی مطلوب اقتصاد تعاونی بر اساس تعالیم اسلامی، تعیین جایگاه اقتصاد بخش تعاونی به‌عنوان یکی از بخش‌های نظام اقتصادی اسلام، اثبات ناسازگاری الگوی اقتصاد تعاونی با آموزه‌های نظام اقتصادی کمونیستی و سرمایه‌داری است (Yusefi, 2016). متأسفانه در این اثر نیز به اقتصاد تعاونی از منظر شهید بهشتی بی‌توجهی شده است. بیشترین تمرکز منابع پژوهشی اقتصاد تعاونی در قلمرو مقالات است. با این وجود، هیچ‌کدام از پژوهش‌ها به‌نحو شایسته به نقش شهید بهشتی در شکل‌گیری و استمرار اقتصاد تعاونی نپرداخته است.

۳. روش پژوهش

روح کلی پژوهش بیانگر تحقق آن در سنت عملیاتی‌سازی^۱ است. از زبان عملیاتی‌سازی برای تغییر شکل زبان نظری به مفاهیم تجربی استفاده می‌شود. به بیان دیگر، سنت عملیاتی‌سازی با تبدیل مفاهیم به متغیرها و تعیین مفاهیم کلیدی مورد استفاده در مطالعه‌ای خاص به منظور تعریف آن‌ها و طراحی روش‌های اندازه‌گیری آن‌ها سروکار دارد. در این سنت مفاهیم از نظر سطح انتزاع متفاوت‌اند (Blaikie, 1996).

1. operationalizing

2011). روش پژوهش نیز توصیفی تحلیلی است و به قاعده پژوهش‌های توصیفی تحلیلی، تحلیل بر اساس مبانی نظری تحقیق انجام شده است. روش توصیفی تحلیلی عبارت است از توصیف پیام‌ها با روش‌های منظم و عینی و با هدف بررسی اطلاعاتی که در محتوای پیام وجود دارد (Barron, 1995).

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱.۴. در جستجوی بدیل؛ فراسوی بخش خصوصی و بخش دولتی

نئولیبرالیسم به معنای آزادسازی بازارها، کالایی‌سازی و خصوصی‌سازی هر چیزی است که می‌تواند به‌عنوان کالا در نظر گرفته شود، همچنین به معنای از بین بردن سیستماتیک تمام نهادهای همبستگی جمعی است که از مردم در برابر نیروهای بازار محافظت می‌کند (Standing, 2021). از دهه ۱۹۷۰ دستورالعمل نئولیبرال به هسته سیاست‌گذاری اقتصاد جهانی بدل شد. این دستورالعمل با تأکید بر آزادسازی بازارها، مقررات‌زدایی مالی، کوچک‌سازی دولت و خصوصی‌سازی، نقش فرایندهای بازار را در اقتصاد پررنگ و بنگاه‌داری خصوصی را به محور اصلی نظم اقتصادی بدل کرد. با عقب‌نشینی دولت از مسئولیت‌های اجتماعی خود در تأمین حداقل نیازهای اقتصادی و اجتماعی مردم، سرنوشت زندگی و معیشت نیروهای کار و طبقات فرودست عملاً به بنگاه‌های خصوصی سپرده شد (Bikran Behesht, 2019). در شرایط کنونی نئولیبرالیسم را می‌توان آخرین شکل نظام سرمایه‌داری در نظر گرفت. به همین دلیل، بسیاری از آن‌چه مارکس و وبر و دورکیم و موس و زیمل و لوکاچ و آدرنو و دیگران در نقد سرمایه‌داری و پدیده‌هایی مانند استخراج ارزش اضافی و شی‌وارگی و کالایی‌شدن، استثمار طبقات و افزایش نابرابری گفته‌اند؛ کماکان معتبر است. نئولیبرالیسم فرایند تبدیل همه عناصر جهان به کالا و همه افراد به سوژه لیبرال است. نئولیبرالیسم هر چند اصول ساده اقتصادی دارد؛ اما به هیچ وجه اقتصاد نیست. واقع نوعی جهان‌بینی است که مانند سایر جهان‌بینی‌ها منشوری است که در هر زمینه‌ای که قرار گیرد پرتوهای متفاوتی می‌پراکند. دشواری از اینجا آغاز می‌شود که مردمان آن را فقط اقتصاد و خاص کشورهای پیشرفته می‌دانند (Abazari, 2020).

پس از آنکه مفهوم اقتصاد بازار آزاد به‌عنوان تنظیم‌کننده طبیعی ثروت پذیرفته شد، بازار آزاد به راستی سرمایه‌داری نوآوری و رشد اقتصادی را برانگیخته است؛ اما در جهانی که نابرابری بیداد می‌کند. بسیاری از صاحب‌نظران عدالت‌خواه معتقدند باید از ایمان بی‌چون و چرا به قدرت بازارهای شخصی سودمحور دست کشید، چرا که مسائل ناشی از نابرابری با کارکرد طبیعی اقتصاد با ساختار فعلی حل نمی‌شود؛ بلکه مسائل به سرعت حادث‌تر خواهد شد (Yunus, 2024). آموزه‌های اقتصاد بازار آزاد، گرچه رنگ و لعاب دانش تجربی دارد، اما کاملاً اتوپیایی است و فرض خود را بر وجود اطلاعات کامل بنا می‌کند. بر اساس این فرض، بسیاری از مسائل دیگری که در دنیای واقعی وجود دارد، مانند بنگاه، دولت یا تکنولوژی نادیده گرفته شده است (Momeni, 2016). در اواسط قرن بیستم این جنجال سر برآورد که اگر بازار اطلاعات کامل درباره تمامی اجناس و در تمامی زمان‌ها و تاریخ‌ها و رقابت کامل در بازارهای تمامی کالاها و خدمات در تمامی مواقع و به هنگام همه پیشامدها وجود داشته باشد و هیچ‌گونه تغییر فناورانه‌ای واقع نشود، آن‌گاه در بافتار تعاملات اقتصادی واقع شده در بازارهای تحت هدایت، قیمت‌ها رفاه شخصی‌اش را بیشینه می‌سازد. در این مدعا قیمت‌ها سازوکار هماهنگ‌کننده‌ای هستند که بسته به وجود مازاد در تقاضا یا عرضه بالا و پایین می‌روند و خود را تنظیم می‌کنند. غیرواقعی بودن این فرضیات به کنار، زیبایی اثبات نتایج و دلالت‌های ضمنی و دور و دراز آن واقعاً نفس‌گیر است (Stiglitz, 2024) مشکلات در بازار آزاد از دیدگاه و فرضیات درباره انسان سربرآورده است. به این معنا که نتیجه‌گیری‌ها و تجویزات اقتصاد به اعتبار تغییر تصویر بنیادی انسان و آرمان او در روی زمین دگرگون می‌شود (Schumacher, 2019). تمدن کنونی بر پایه نفع‌طلبی استوار شده است، در حالی که انسان علاوه بر

سودجویی، موجودی آرمان خواه و نوع دوست است. غفلت از این انگیزه‌های والا و تکیه صرف بر منفعت طلبی، نظام اجتماعی و اقتصادی را به دستگاهی ویرانگر و موجد فقر و نابرابری تبدیل می‌کند. بنابراین، به جای نظم کنونی باید نظام اجتماعی و اقتصادی را بر اساس کسب و کار اجتماعی و کارآفرینی همگانی از نو ساخت (Yunus, 2024). سرمایه‌داری به تشویق خودخواهی و مادی‌گرایی می‌پردازد، خودخواهی بی‌رحمانه غالباً به بی‌صداقی می‌انجامد. بی‌صداقی به بی‌اعتمادی دامن می‌زند و شکست اعتماد کارکرد نظام اقتصادی را تضعیف می‌کند. نظام سرمایه‌داری نئولیبرال کنونی طبعاً به نابرابری شدید و رواج استثمار می‌انجامد. دومی مشروعیت اخلاقی نظام اجتماعی را تضعیف می‌کند و اولی سر از اختلافات و بی‌ثباتی‌های سیاسی در می‌آورد که به نوبه خود کارکرد اقتصادی نظام را کاهش می‌دهد. می‌توان استدلال کرد که سرمایه‌داری و نحوه شکل‌دهی به انسان‌ها از سوی آن چه بسا آنان را از بسیاری آزادی عملشان محروم می‌سازد (Stiglitz, 2024). در مقابل نظام اقتصادی مبتنی بر همکاری موجب شکل‌گیری همان چیزی می‌شود که در دنیای امروز سرمایه اجتماعی نام دارد. اعتماد متقابل شکل می‌گیرد و افراد در قالب گروه‌ها به یکدیگر می‌پیوندند. این گروه‌ها شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی به وجود می‌آورند که هر قدر مستحکم‌تر و گسترده‌تر باشد جامعه توانمندتر خواهد بود (Ajem-aghlou, 2021).

بازار آزادی‌ها هر چند خود را طرفدار آزادی نشان می‌دهند، اما از کشیدن پای بحث آزادی به حیطه سیاسی وحشت دارند. آن‌ها می‌ترسند که مردم خاصه طبقات پایین تقاضاهایی مطرح کنند که مداخله‌گر باشد. در نتیجه هر چه زمان بیشتری می‌گذرد و قوانین بازار آزاد بیشتر تصویب و اجرا می‌شود، مردم فقیرتر می‌شوند و مردم فقیر از گفتگو درباره سرنوشت خود منع می‌شوند (Abazari, 2020). بنابراین، نئولیبرال‌ها ضرورتاً به دموکراسی پایبند نیستند و آنچه اهمیت دارد بازار آزاد است. در مقابل به نظر می‌رسد تنها از طریق اقدام جمعی و از طریق دولت است که می‌توان به توازی از آزادی‌ها دست یافت. اقدامات درست طراحی شده دولت از جمله مقرراتی که به بعضی شیوه‌ها رفتار را محدود می‌سازد، می‌تواند در معنایی بنیادین آزادی بخش از کار درآیند یا برای بخش عظیمی از جمعیت چنین باشد. در یک جامعه خردمند و متجدد لازم نیست دولت و آزادی رودرروی یکدیگر بایستند (Stiglitz, 2024). یکی دیگر از نشانگان نئولیبرالیسم این دعوی بود که هیچ راه حل جایگزینی در کار نیست. در حالی که راه حل‌هایی بدیل برای خلق اقتصاد و جامعه بهتر وجود دارد. شیوه‌های دیگری جهت سازماندهی جامعه و گسترش فرصت‌های اشخاص هست. با توجه به تجربه تاریخی اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد دولتی، در ادبیات اقتصادی نظریه‌های شکست بازار یا ناکارآمدی بخش دولتی به وفور یافت می‌شود. بدین ترتیب، با وجود ناکارایی دولت و شکست بازار بخش سومی باید تعریف شود که توانایی حذف ناکارآمدی را داشته باشد. این بخش که امروزه در اقتصادهای توسعه یافته نقش مهم و اساسی ایفا می‌کند، چیزی نیست جز اقتصاد اجتماعی یا بخش سوم اقتصاد که همراه با مشارکت و تعاون است. در واقع این بخش همکاری‌های اقتصادی یافته بین شهروندان است (Mirzaei, 2015). از جهت تاریخی و بر اساس منابع تحقیقاتی موجود، مفاسد حاصل از استقرار نظام اقتصادی سرمایه‌داری لیبرال، علت شکل‌گیری نهضت تعاونی بوده است. نظام سرمایه‌داری لیبرال، با توجه به مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی خاص خود، حداکثر نمودن سود مادی شخصی را تنها رفتار عقلایی در عرصه اقتصادی معرفی نمود و به دنبال آن به شدت از مالکیت خصوصی فردی، آزادی اقتصادی، سیستم رقابت آزاد اقتصادی و عدم مداخله دولت در اقتصاد حمایت کرد (Yusefi, 2016). به نظر می‌رسد تعاونی‌ها عامل تعادل در نظام‌هایی است که در ماهیت خود نامتعادل‌اند. رشد و گسترش تعاونی‌ها از طریق تنوع‌بخشی به ساختار و فعالیت آن‌ها امکان‌پذیر است (Derakhshan, 2002).

در سوی دیگر، هر نظام اقتصادی با این پرسش روبروست که آیا دولت باید در ساماندهی امور اقتصادی مداخله کند یا با کنار کشیدن خویش صحنه را برای فعالیت بخش خصوصی باز بگذارد و به اداره کلی امور کشور بپردازد. طرح این بحث موضوع دیگری را هم در پی دارد و آن مالکیت دولت بر عوامل تولید است. به عبارت دیگر اگر دولت بخواهد در اقتصاد مداخله کند یا به‌طور مستقیم امور اقتصادی را

در دست بگیرد، به‌طور طبیعی مالک آن نیز خواهد بود. یعنی بین میزان تصدی‌گری دولت در اقتصاد و اندازه مالکیت وی بر طبیعت نیروی کار و سرمایه رابطه‌ای مستقیم برقرار است (Sobhani, 2018). این‌گونه است که در سوییۀ دیگر نئولیبرالیسم نقش مداخلۀ دولتی و اجبار در هماهنگ ساختن کل سامانۀ اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند. «نقش دولت در ادبیات اقتصادی همواره محل مناقشه است و عمدتاً مذموم بوده است. اگر صرفاً باورهای شخصی افراد در معرض خطر بود، بدون آنکه هر گونه عملی موضوعیت پیدا کند، شاید چندان مهم نبود... ولی مجموعه‌ای از تصمیمات هست که ما آن‌ها را مشترکاً اخذ می‌کنیم، آن چیزی که به‌عنوان جامعه خصوصاً از طریق دولت به همراه یکدیگر انجام می‌دهیم. یک فراروایت، یک عینک که دولت را همواره ناکارآ، بخش خصوصی را همه‌کارآ، مالیات‌ها را پیوسته آسیب‌زا و مصارف عمومی را تماماً اتلاف پول می‌داند. به دولت کوچک و سرمایه‌گذاری کمتر از نیاز در کالاهای عمومی منتهی می‌شود. این نگرش به یک اقتصاد مقررات‌گذاری نشده و دارای کارکرد ضعیف و تقریباً به یک جامعۀ اختلاف زده‌تر می‌انجامد. ولی بخشی از رسانه‌ها عملاً این عینک را به ما می‌دهند. اختلاف جهانی‌ها با اختلاف نظری عمده در تصمیماتی سروکار دارد که مشترکاً گرفته می‌شوند. قطبش حدی در نظریات پیرامون آنچه دولت باید بکند یا آنچه باید محدود و مجاز باشد به از کار افتادگی سیاسی یاری رسانده است... عینکی که ما از وراثت جهان را می‌بینیم، مشروعیت اخلاقی آنچه همه انجام می‌دهیم را تعریف می‌کند، از جمله آنچه دولت در مورد نابرابری می‌کند» (Stiglitz, 2024).

پیش‌نیاز فهم صحیح اندیشۀ شهید بهشتی در مواجهه با دوگانه اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد دولتی تدقیق این نکته است که از کدام بازار و کدام دولت سخن به میان آمده است؟ از منظر آسیب‌شناختی، تاریخچۀ ساخت سیاسی و اقتصادی استبدادزده ایران که به لحاظ تاریخی وابستگی به ساختاری تک محصولی دارد، ذیل عنوان اقتصاد سیاسی رانتی، ماهیت یک ساختار نابرابرساز را رقم می‌زد. چگونگی بازتولید مناسبات نابرابرساز در دو بعد ساختار سیاسی در توزیع نابرابر فرصت‌ها و ساختار اقتصادی رانتی نهفته است (Momeni, 2018). همچنین شهید بهشتی در درگیری عینی با سرمایه‌داری فاسد از یک سو و درگیری فکری با مارکسیست‌ها و دگراندیشان از سوی دیگر و درگیری میدانی با فقه‌گرایانی است که تقلیل‌گرایانه چاره را فقط اجرای احکام فرعیۀ می‌دانند، به گونه‌ای که معتقدند اجاره، مضارعه یا مساقات در هر ظرفی موجب عدالت می‌شود. رویارویی و تقابل شهید بهشتی با هر سه جریان با هدف ارائۀ و طرح‌ریزی نظام عادلانه بود تا اثبات شود زیربنای اقتصادی اسلام و نهادهای اقتصادی در ذات خود عادلانه‌اند و ساختار رانتی و ربوی و رواج فساد که ذیل موانع تحقق عدالت اجتماعی به آن‌ها پرداخته شد، عوامل شکل‌گیری ساخت اجتماعی ناعادلانه است. در این بستر اجتماعی و اقتصادی شهید بهشتی در تلاش است با تکیه بر قانون اساسی اقتصاد را به سمتی هدایت کند که توزیع درآمدها، ایجاد امکانات شغلی و برنامه‌ریزی اقتصادی به سمتی هدایت شود که با کار خلاق و فعال خود انسان‌ها این نیازها تأمین شود (Beheshti, 2018). از نظر ایشان نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران شامل سه بخش دولتی و خصوصی است و یکسره دولتی یا خصوصی نیست. با توجه به تقسیم‌بندی اقتصاد به سه بخش دولتی و خصوصی و تعاونی، بنای ایشان بر این نیست که دولت به یک کارفرمای بزرگ تبدیل شود. این دقت و هوشمندی، مرزبندی تمام عیار با جهت‌گیری‌های سوسیالیستی را منعکس می‌سازد. در عین حال به توانمندسازی بخش خصوصی نیز توجه داشته‌اند. هر چند نقدهای کوبنده‌ای بر دو سوییۀ اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد دولتی بیان شده، اما به معنای حذف بخش دولتی و خصوصی نیست. شهید بهشتی در مواجهه با سوییۀ اقتصاد دولتی بر این باور است که از دخالت مستقیم دولت باید روزبه‌روز کاسته شود، با این ملاحظه که کاهش نقش دولت نباید به سلطۀ اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری بر توده مردم بی‌انجامد. با این وصف ایشان معتقد است دولت‌های سالم و صالح می‌توانند بسیار بهتر از سرمایه‌داران خصوصی در راه صنایع بزرگ یا طرح‌های آبیاری و کشاورزی وسیع سرمایه‌گذاری کنند و چون دولت صالح نماینده و کارگزار ملت است، این سرمایه‌گذاری‌ها خواه‌ناخواه در راه مصالح و

منافع ملت‌ها به جریان می‌افتاد (Beheshti, 2016). افزون بر این شهید بهشتی ضرورتاً صنایع مادر را در چهارچوب اختیارات و وظایف دولت صالح می‌داند که نماینده مردم است. «سرمایه‌گذاری در صنایع بزرگ و وسیع و تولیدها و توزیع‌های بزرگ و وسیع از حدود امکانات فرد، افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها بیرون است. حالا که بیرون است به صورت واجبی از واجبات حکومت اسلامی درمی‌آید. حکومت اسلامی باید مستقیماً عهده‌دار انجام این واجب گردد نه اینکه واجب بر زمین بماند... با چه سرمایه‌ای؟ با سرمایه‌ای که از بیت‌المال اسلامی به دست می‌آید. تازه می‌رسیم به آن چیزی که در مکتب‌های اقتصادی به عنوان یک تز پیشرفته عالی‌تر شناخته می‌شود، یعنی اقتصادی که صنایع مادرش ملی باشد یعنی در دست حکومت نماینده ملت» (Beheshti, 2016).

در سوبیه اقتصاد بازار آزاد شهید بهشتی مخالفت صریح خود را با تسلط و رواج اندیشه‌های لیبرالیستی بیان کرده است «اگر می‌بینید که می‌گوییم از حاکمیت و حکومت لیبرال‌ها بر جمهوری اسلامی ایران احساس نگرانی می‌کنیم از باب این است که ما عینیت این حاکمیت را در زادگاه تفکر لیبرالیستی دیده‌ایم و شنیده‌ایم، دیده‌ایم یا برایمان نقل کردند و شنیده‌ایم» (Beheshti, 2018). ایشان علاوه بر به چالش کشاندن زیربنای فکری اقتصاد بازار آزاد، نتایج و پیامدهای عینی اجرای چنین رویکردی را در متن جامعه فاجعه‌بار و ناعادلانه دانسته است «ما در عین قبول اصل مالکیت شخصی، در عین اعتقاد و احترام به آثار مشروع مالکیت، در عین اعتقاد به اینکه اقتصاد دولتی نمی‌تواند یک اقتصاد متناسب با انسان آزاد باشد، در عین آنکه معتقدیم باید بخش آزاد و خصوصی در نظام اقتصادی هر چه بیشتر دامنه داشته باشد، در عین همه این‌ها معتقدیم این وضع موجود و این فاصله درآمدها و زندگی‌ها به هیچ عنوان با عدل اسلامی سازگار نیست. این خیابان ما و این بازار ما خیابان و بازار اسلامی نیست. این گرانی‌های روزافزون ارزاق هیچ چیزش به اسلام نمی‌خورد... این سیستم توزیع کالا که امروز به نام سیستم آزاد توزیع کالا وجود دارد، فقط برای پول‌دارهاست. برای بی‌پول‌ها کمال تنگناست» (Beheshti, 2011). با تمرکز بر اسلوب روش‌شناختی شهید بهشتی، خودآگاهی انسان‌ها بر مبنای منطق فطرت ضرورت دستیابی به سازوکاری بدیل برای بخش خصوصی و بخش دولتی را آشکار ساخته است.

جان کلام شهید بهشتی در نقد نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد و اقتصاد دولتی بر نفی حاکمیت سرمایه نهفته است. ایشان حاکمیت سرمایه را سرمنشأ فساد و ابزار استثمار توده مردم در معرفی کرده است. به اعتقاد شهید بهشتی در نظام سرمایه‌داری غرب، روابط اقتصادی و اجتماعی به سود صاحبان سرمایه تنظیم شده است، چنانکه صاحبان نیروی کار به اجبار نیروی کاری خود را در بازار کار هر چه ارزان‌تر می‌فروشد؛ چراکه برای گذران زندگی خود راهی جز این نمی‌یابند. در چنین مناسباتی نیروی کار حتی از ایفای نقش خویش در سیاست عمومی جامعه نیز محرومند... در نظام سرمایه‌داری دولتی اردوگاه مارکسیستی هم با شکل دیگر حاکمیت سرمایه را سرمایه‌دار بزرگ یعنی دولت سوسیالیستی سه قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی را در اختیار دارد. شهید بهشتی استقرار نظام جمهوری اسلامی را بر پایه ارزش‌های اسلامی و متمایز از سیاست‌های اردوگاه شرق و غرب در نظر گرفته‌اند به این معنا که باید مایه اصلی فساد یعنی حاکمیت سرمایه ریشه کن شود. این مهم نه فقط با زور بلکه با ابتکار استفاده از و طرحی نو در برنامه اقتصادی و سیاسی عمومی خاص اسلام میسر است. در حقیقت اصول اقتصادی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده بر اساس چنین نگرشی تنظیم شده است تا آینده اقتصادی جمهوری اسلامی و عدالت اقتصادی را تأمین نماید (Beheshti, 2009).

به همین سبب شهید بهشتی فقه را به میدان سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی فرا خوانده‌اند تا بر پایه‌های زیربنایی اقتصادی اسلام راه‌حلی بدیع با هدف برقراری عدالت اجتماعی ارائه نمایند. نظام تبادلات اقتصادی تبیین شده که شهید بهشتی مدعی است برای استقرار نظم اجتماعی عادلانه طرحی نو در انداخته که با سیاست‌های اقتصادی در دو سوبیه جوامع شرقی و غربی متمایز است:

«تر اقتصادی ما برای بیرون بردن جامعه از بن بست فقر و محرومیت خلاصه می شود. در این بیان که دولت جمهوری اسلامی ما در برابر هر انسانی که می خواهد کار مولد انجام بدهد، چه کشاورزی، چه کار صنعتی، چه کار خدماتی، وظیفه دارد برای هر کس که می خواهد کار کند سرمایه و ابزار کاری را هم کند که در اختیار خود او باشد. کشاورزان ما در جمهوری اسلامی باید روی زمینی کار کنند که متعلق به خود آن ها باشد. کارگران ما در جمهوری اسلامی باید با ابزار کار و سرمایه ای کار کنند که متعلق به خود آن ها باشد... بدین ترتیب طرح اقتصادی جمهوری اسلامی این است که دولت اسلام، دولت جمهوری اسلامی از بیت المال عمومی از درآمد نفت، از درآمدهای دیگر، از مالیات هایی که می گیرد، وظیفه دارد برای هر مسلمان، هر ایرانی ولو غیرمسلمان، برای کسی که تابع این جمهوری اسلامی است، ابزار و سرمایه کاری فراهم کند تا هیچ فردی مجبور نباشد کار خودش را به مزد ناچیزی که دیگران به او می دهند، بفروشد» (Beheshti, 2018). در این راهکار تأکید ایشان بر ریشه کن کردن تمام زمینه های استثمار و بهره کشی صاحبان سرمایه یا صاحبان قدرت از صاحبان نیروی کار است. بارور ساختن ایده تعاونی توسط شهید بهشتی، حیاتی ترین ایده رستگاری بخش با هدف مبارزه با استثمار و استقرار نظام اقتصادی عادلانه است. شاید بتوان ادعا کرد در اندیشه شهید بهشتی برجسته ترین امتیاز اقتصاد تعاونی برای برقرار عدالت اجتماعی آن است که وسایل و امکانات کار همواره در اختیار صاحبان نیروی کار نگه داشته می شود. اقتصاد اسلامی درصدد مبارزه با حاکمیت سرمایه است، خواه مربوط به افراد و گروه ها باشد، خواه مرتبط با دولت باشد. هدف آن است که حاکمیت سرمایه بر صاحبان نیروی کار از بین برود. در اقتصاد تعاونی امکانات کار در دست صاحبان نیروی کار باقی می ماند، به شکلی که هیچ گونه حاکمیتی برای صاحبان سرمایه به وجود نیاید (Beheshti, 2009).

«ما اینطور می اندیشیم که مسئله اساسی این است که حتی الامکان صاحبان سرمایه و صاحبان نیروی کار یکی باشند، یعنی کسی که نیروی کار دارد، دست کم خود او هم یک کار داشته باشد، نه مزدور دولت باشد و نه مزدور بخش خصوصی. برای این منظور تنها راه تعاون می باشد؛ چون تعاونی ها همان شرکت های سهامی اند با این تفاوت که قید می شوند که صاحب سرمایه باید خودش کار کند و هر وقت نخواست کار کند سهمش را واگذار می کند به کسی که جای او کار کند. خلاصه اینکه مسئله اساسی در تعاونی ها این است که یک راه حل عملی مؤثر برای تأمین این نقطه نظر هستند که صاحبان نیروی کار، سرمایه و دست مایه لازم برای کار خودشان، خود داشته باشند و به این ترتیب جلوی استثمار دولتی و خصوصی هر دو گرفته می شود و ما کاری نداریم که تعاونی ها به این معنی در کشورهای دیگر هستند یا نیستند ... ما می گوییم یک هدف اساسی داریم و آن نفی استثمار است و یکی از راه های بهره کشی و استثمار نیروی کار صاحبان اصلی سرمایه می باشد؛ یعنی وقتی صاحب نیروی کار خودش سرمایه لازم برای نیروی کارش نبود و این یکی از زمینه های استثمار است، چه کنیم که استثمار از بین برود و صاحب نیروی کار سرمایه لازم را برای خودش داشته باشد؟ به چه صورت؟ به صورت شرکت های تعاونی» (Beheshti, 1982).

۲.۴. شکل گیری تعاونی در دنیای مدرن

در کشورهای صنعتی با تمرکز افراطی بر رقابت و غفلت از شیوه های تنظیم گری که رقابت را عادلانه می ساخت، ظلم ها و فجایع بی شماری پدید آمد. در واقع شرکت های تعاونی که امروزه در سراسر دنیا فعالیت می کنند، مصادیق نهضتی علیه مظلوم سرمایه داری بوده است. برخی پژوهشگران در دفاع از تعاونی ها در برابر بنگاه های خصوصی و دولتی از آن ها با عنوان آرمان شهرهایی واقعی یاد می کنند که می تواند جایگزین ساختارهای اجتماعی سرمایه داری شود (Wright, 2012). اولین تعاونی در سال ۱۸۴۴ در انگلستان شکل گرفت و به دنبال آن به شکل گیری گسترده تعاونی ها اتحادیه بین المللی تعاون (ICA) در سال ۱۸۹۵ انجامید. این اتحادیه اصلی ترین سازمان جنبش تعاونی در جهان است (Mirzaei, 2015). به لحاظ تاریخی نیز شیوه تولید تعاونی از نخستین فعالیت های اقتصادی انسان (به

معنای تولیدی آن) آغاز شده است. تعاونی به این معنا کهن‌ترین روش و شیوه ساماندهی جمعی کار در ایران بوده است و تا دوران اصلاحات ارضی دوام آورد. در شرایط مالکیت خصوصی اربابان بر روستاها این روش زیر نام بنه، صحرا و ... مهم‌ترین نوع ساماندهی کار کشاورزی در روستاها بود. عنصر محوری این شیوه تولید بر خلاف شیوه سرمایه‌داری که انسان دشمن انسان برای کسب بیشترین سود به شمار می‌آید، انسان یار و یاور انسان است (Zol'olm, 2018).

بیان شد که در اصل ۴۴ قانون اساسی سه بخش هم عرض تعاونی، دولتی و خصوصی مطرح شده، سپس بخش خصوصی در طرازی پایین‌تر و مکمل بخش دولتی و تعاونی در نظر گرفته شد. تعاونی بر خلاف ظاهر یکدست در جوامع گوناگون اقسامی دارد و در مقابل اقتصاد دولتی و خصوصی تعریف می‌شود. تعاونی در نظر شهید بهشتی با انواع تعاونی در مدل‌های مستقر در سایر کشورها متفاوت است. شکل‌گیری تعاونی در کشورهای غربی با سودای غلبه بر سرمایه‌داری قرین بود و به مرور ذیل سرمایه‌داری نیز تعریف شد. در مقابل الگوی تعاونی در کشورهای شرقی و کمونیستی تبدیل به دیکتاتوری پرولتاریا شد. آنچه شهید بهشتی در اصل ۴۴ به دنبال آن است، بخش تعاونی را همراه با دولت و بالاتر از بخش خصوصی قرار می‌دهد، به این معنا که تعاون بدیل سرمایه‌داری و در کنار اقتصاد دولتی در نظر گرفته شده است (Ghanbarian, 2025). شهید بهشتی در سخنرانی ۳۰ آذر ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران تصریح کرده است «مسئله اقتصاد تعاونی که در عصر ما و جمهوری اسلامی ما مورد توجه قرار گرفته، در حقیقت بر همان پایه‌هایی استوار است که امروز در جامعه‌های مختلف در رابطه با اقتصاد تعاونی گفته می‌شود؛ یعنی در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی لزومی ندارد چیزی بر آن بیفزاییم» (Beheshti, 2014). شهید بهشتی قصد داشت اقتصاد مردمی را در نهاد تعاونی باز تعریف و تعاونی مطلوب را به مثابه ابزاری معرفی نماید برای عملیاتی‌سازی آنچه در سطح نظر برای عدالت اجتماعی مطرح شده بود. به همین سبب در مصاحبه مهر ۱۳۶۱ با موضوع «نقش تعاونی‌ها در محو استثمار» ایده اقتصاد تعاونی را چنین تبیین کرده است: «تعاونی‌ها به این شکل خاص در اسلام مطرح نیست، تعاونی یک شکلی است که ما بر اساس اجتهاد، ابتکار می‌کنیم و همیشه نقش مجتهد که دارای اجتهاد پویا و هم فقیه مجتهد باشد و هم به شرایط زمان آگاه باشد و هم به روند خاص مسائل اقتصادی، اجتماعی، جزایی، انتظامی، آموزشی و امثال این‌ها آگاه باشد می‌تواند خلاقیت داشته باشد و طرح‌های جدیدی را منطبق بر معیارهای اسلامی عرضه کند» (Beheshti, 1982). در این معنا از تعاونی مسئله اساسی آن است که یک راه عملی مؤثر برای تأمین این هدفمند که صاحبان نیروی کار، سرمایه و دست‌مایه لازم برای کار خودشان داشته باشند. چرا که از نظر ایشان در تعاونی‌ها «با کار بدون سرمایه کسی سهیم نمی‌شود، همان کسی که کارش را می‌آورد سرمایه‌اش را هم می‌آورد. نه با سرمایه بدون کار می‌شود و نه با کار بدون سرمایه، چون ما می‌خواهیم شرکت تعاونی به افسانه جدایی کار از سرمایه در یک میدان گسترده‌ای پایان بدهیم.. آن وقت ما می‌گوییم آن کسی که می‌خواهد با سرمایه‌اش وارد میدان بشود یا سرمایه از خود دارد خوب می‌آورد یا ندارد که دولت به او وام می‌دهد» (Beheshti, 1982).

به بیان دیگر، اقتصاد تعاونی که شهید بهشتی پیش می‌نهد با ویژگی‌هایی منحصر به فردی معنا می‌یابد که آن را به ابزاری برای برقراری شاخص‌های عدالت اجتماعی مبدل می‌سازد. «مرقوم بفرمایید که از نظر ما مختصات اقتصاد تعاونی چه چیزهایی است: ۱. یک‌جا شدن مالکیت و سرمایه، مهم این است. این اساس تعاون از دیدگاه ماست؛ از میان برداشتن جدایی بین کار و سرمایه. یعنی صاحبان کار و صاحبان سرمایه تقریباً یکی می‌شوند. این، تعاون می‌شود. ۲. از دید ما مدیریت به دست منتخبین صاحبان کار و سرمایه است» (Beheshti, 2018). بنابراین، امتیاز بی‌بدیل اقتصاد تعاونی در نسبت با اقتصاد دولتی و اقتصاد سرمایه‌داری این است که همواره وسایل و امکانات کار در اختیار صاحبان نیروی کار است. همواره ابزار کار، ماشین‌آلات، زمین، چاه و امثال این‌ها در اختیار کسانی است که خودشان کار می‌کنند. به منظور عملیاتی شدن این ویژگی منحصر به فرد تعاونی، شهید بهشتی ملاحظات را مطرح ساخته است. اعطای

وام‌های بدون بهره یا به صورت‌های مشروع دیگر یکی از راه‌حل‌های اساسی ایشان است. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین راهکارهای شهید بهشتی با هدف تحقق عدالت در نظام اقتصادی، در نگرش ایشان به بخش غیردولتی نهفته است، این بخش نباید به سرمایه‌داران واگذار شود؛ بلکه باید در اختیار دارندگان نیروی کار باشد تا اگر سرمایه لازم برای کار خود را به دست آورند، با سرمایه خود به کار پرداخته و از نتیجه کار خویش بهره‌مند شوند. در مقابل اگر سرمایه لازم را ندارند، به صورت وام بدون بهره از دولت وام گرفته تا کارگاه‌های کوچک خصوصی یا کارگاه‌های متوسط یا بزرگ تعاونی برای خود بوجود آورند و استثمار نشوند (Beheshti, 2009). «معنی یک شرکت تعاونی این است که همه آن‌هایی که آنجا کار می‌کنند، سهم دارند. هیچ‌کس که سهم ندارد و کار نمی‌کند در آنجا وجود ندارد، حتی دولت. چون اگر دولت هم در آنجا سرمایه بگذارد، معنایش این است که سرمایه دارد و کار نمی‌کند. ما به این می‌گوییم تعاونی. ما معتقدیم که شبکه تعاونی‌ها که در دست مردم است و دولت در آن هیچ نقش مستقیمی ندارد، می‌تواند نظام اقتصادی مورد نظر ما را نیروی فراوانی ببخشد و خیلی از آن‌ها می‌توانند کارآیی داشته باشند» (Beheshti, 2018). از دیدگاه ایشان مهم‌ترین مشخصه‌های فعالیت تعاونی این است که هر کس برای برخوردار شدن باید در فرایند تولید کالا یا خدمات نقش مستقیم داشته باشد. از دیدگاه شهید بهشتی این یک شرط زیربنایی برای سالم‌سازی بخش خصوصی در ایران است. در واقع تلاش ایشان برای تسریع فرایند توانمندسازی بخشی خصوصی با ارائه یک نمونه خالص از میان بخش خصوصی مولد را نیز در فرایند گذار نشان دهند (Momeni, 2016).

۳،۴. چرایی تعاونی؟

میزان فقر و نابرابری در جوامع گوناگون به مؤلفه‌های مختلفی وابسته است. توزیع دارایی‌های مولد ابرمؤلفه‌ای حیاتی در این زمینه است. دو روش گسترده دستیابی به توزیع نسبتاً برابر ثروت مولد وجود دارد، یک روش اجتماعی کردن تولید و انتقال دارایی‌های مولد به تعاونی‌ها و دیگری حفظ مالکیت مشروط بر اینکه اطمینان حاصل شود مالکیت به صورت گسترده‌ای پراکنده شده است (Griffin, 1996). بنابراین توسعه و پیشرفت به‌خودی‌خود به عدالت منجر نمی‌شود. به این معنا که عدالت توزیعی بعد از رشد اقتصادی هم راه‌حل فاصله طبقاتی نیست و بهره‌گیری از روش‌های یاد شده با هدف رفع فقر و دستیابی به عدالت اجتماعی ضروری است. به همین دلیل در اقتصاد تعاونی از منظر شهید بهشتی مسئله عدالت پیش از تولید حائز اهمیت است. تقسیم عادلانه منابع تولید ثروت اصلی سرنوشت‌ساز در قانون اساسی است که منجر به گسترش مالکیت عمومی در جهت تحقق عدالت اجتماعی می‌شود. اگر گسترش مالکیت ابزار تولید در میان صاحبان نیروی کار رخ ندهد، سود منابع در انحصار طبقه سرمایه‌دار است. از این منظر می‌توان تعاونی را عنصری ضروری در گذار از تمدن طماع حاضر به سوی تمدنی بر اساس ارزش‌های عمیق‌تر انسانی اعم از سهیم شدن و هویت‌بخشی به انسان شناسایی کرد (Yunus, 2024). در جامعه ایران به لحاظ تاریخی، سیاسی و اجتماعی در زمینه معضل تعاون و همکاری همواره با چالش و کاستی‌های بسیار بزرگ روبرو است. بر حسب روش‌شناسی شهید بهشتی، سه مشخصه اصلی، الگوی تعاونی را به الگوی خالص برای یک همکاری ثمربخش و مولد تبدیل کرده است. امروز بخش بزرگی از نظریه‌پردازان توسعه بر این باورند که ظرفیت‌های سازمانی مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین عامل تسهیل‌کننده توسعه‌اند. ظرفیت سازمانی و تشکلیابی از یک طرف وارداتی نیست و هرگاه در داخل کشور ایجاد نشود، امکان حرکت و پیشرفت وجود ندارد. اولین مشخصه تعاونی در نظر شهید بهشتی ظرفیت تشکلیابی و فعال شدن ویژگی‌های تشکیلات است. از طرف دیگر، به دلایل گوناگون تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این ظرفیت در ایران بسیار ناچیز است. دومین مشخصه تعاونی این است که رافع معضل همکاری است که یک کاستی بزرگ و ریشه‌دار و یک مانع اساسی در فرایند توسعه ملی است. مشخصه سوم که شهید بهشتی برای بخش تعاونی بر آن تأکید دارد، قاعده مشارکتی بودن بازی اقتصادی در تعاونی

است. در چهارچوب نمونه‌های خالص مربوط به بخش تعاونی نه سرمایه مادی بلکه مهارت و دانایی حرف اول را می‌زند. با این سه مشخصه شهید بهشتی بر این باور بود که می‌توان الگویی برای پیشبرد فرایند توسعه ملی در ایران طراحی کرد که هم مهار کننده سوداگری و واسطه‌گری است، هم با تکیه بر دانش ضمنی نیروی محرکه بالندگی تولید و رشد بهره‌وری می‌شود (Momeni, 2016). به‌طور خاص شهید بهشتی در بخش اقتصادی قانون اساسی بر حفظ کرامت و آزادی نیروی کار متمرکز است با این ملاحظه که شکل، محتوا و ساعت کار برای افراد باید به گونه‌ای باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، زمان و توان کافی به معنای نشاط و نیرو برای خودسازی معنوی و جامعه‌سازی داشته باشد. «پرداختن به کار اقتصادی لازم است. اسلام دینی نیست که بگوید مسائل اقتصادی نقشی در زندگی ندارد... واقعاً باید زندگی مردم تأمین شود. نقش اقتصاد در بهبود اخلاقی جامعه از نظر اسلام تصویب شده است. اقتصاد منظم و عادلانه و خالی از تفاوت‌های فاحش طبقاتی، خود به خود در بهبود معنویات خیلی مؤثر است... این مطلب روشن است، اما حساب دارد. هر فردی وظیفه دارد مقداری از وقت و نیرویش را در راه تهذیب خودش به کار ببرد. شرکت در نماز جمعه و اجتماعات مذهبی مسلماً یکی از عوامل مؤثر در تهذیب معنوی انسان است یا انسان را پاک‌تر می‌کند» (Beheshti, 2021). به نظر می‌رسد علت توجه و تأکیدات پی در پی شهید بهشتی را باید در نگرش ایشان به انسان جستجو کرد، چرا که انسان را موجودی شریف می‌داند و برای رشد و تعالی بیش از مسائل اقتصادی به کرامت انسانی اهمیت داده و در پرتو حفظ آزادی‌های^۱ یاد شده که پایه اقتصادی اسلام است، به این مهم دست می‌یابد (Beheshti, 2018).

۴,۴. چگونگی سازمان‌یابی اجتماعی؛ لازمه فهم اقتصاد تعاونی

پس از بیان مقدمات فوق به نظر می‌رسد برای فهم صحیح دیدگاه شهید بهشتی درباره اقتصاد تعاونی لازم است با نگاهی وسیع‌تر به مرور ادبیات بر جامانده از ایشان پرداخت. از این دریچه باید ابتدا به مسئله تشکلی و زمینه‌های شکل‌گیری فعالیت‌های جمعی و مختصات تشکیلات توجه داشت. مفهوم تشکیلات و سازماندهی در تاریخ پس از نهضت مشروطه در این مرز و بوم معمولاً با تاریخچه گروه‌ها و سازمان‌ها و تشکلهایی به هم آمیخته است که یا به موضوع و به نحوی اساسی در مقابل دینداری و دینداران ایستاده‌اند یا سر از خودمحموری و گروه‌های سیاسی ناسالمی در آورده‌اند که نه در خدمت اهداف نهضت‌های اجتماعی و سیاسی مردم، بلکه در جهت به قدرت رساندن فرد یا گروهی خاص گام برداشته‌اند. به همین دلیل دعوت به تشکیلات و تشکلی همواره با نوعی واکنش منفی پنهان یا آشکار روبه‌رو شده است (Beheshti, S. A, 2022). شهید بهشتی در چنین بستر اجتماعی مبتنی بر تعالیم اسلام از ضرورت تشکلیابی سخن گفته است. «اسلام می‌کوشد با سیستم‌ها و فرمول‌های خودش فرد و جامعه را در یک مسیر هماهنگ کند... اسلام مخالف پرستش غیرخداست، مخالف پرستش مال است. اسلام ما را به همکاری اجتماعی تشویق می‌کند. تعبیری در روایات اسلامی هست که دوستان هم شنیده‌اند «یدالله مع الجماعة» جلوه قدرت و توانایی خدا در کار گروهی است. یکی از بنیادهای اساسی اسلام در این زمینه این است که انسان تکرو را حتی در آن دنیا سعادتمند نمی‌داند. انسانی که فقط به فکر خودش و خواسته‌های خودش یعنی خواسته‌های آشتی‌ناپذیر با جامعه باشد. اسلام چنین انسانی را سعادتمند نمی‌داند... وعده خدا این است: پیروزی از آن کسانی است که به صورت دسته جمعی کار کنند... قدرت بی‌پایان خدا با جماعت است» (Beheshti, 2018).

۱. شهید بهشتی برای آزادی بشر دو شرط قائل است: نخست اینکه استفاده از آزادی نباید به بهای نقض آزادی دیگران باشد و دوم اینکه استفاده از آزادی منوط به فاسد نشدن محیط است (Ziyaifar, 2022).

باید توجه داشت تشکل از نظر شهید بهشتی صرفاً یک اسم نیست، بلکه یک مسماست و دارای مراحل و درجاتی است. برای هر مرحله و درجه‌ای نیز لوازمی در نظر گرفته شده است. در نظم اجتماعی مبتنی بر اسلام، مردم در پرتو اعتقاد به اصل اسلام و تقدم آن به هر مکتب دیگر و اعتقاد و اعتماد به رهبری امام متشکل می‌شوند و بخش عظیمی از جامعه سامان‌دهی می‌شود. بنابراین، تشکل یعنی نیروها بر اساس ارزش‌ها با یکدیگر مجموعه‌ها را تشکیل بدهند، مجموعه‌ای بر پایه ارزش‌های مشخص تا فرایندهای برنامه‌ریزی بر پایه این ارزش‌ها بنا شود (Beheshti, 2017). در منظومه فکری شهید بهشتی در سایه اعتقاد به مکتب، رهبری واحد و بسیج منابع نوسازی ساختارهای اجتماعی بر پایه تشکل و سازمان‌یابی محقق می‌شود (Beheshti, 2013). در میان اندیشمندان غربی نیز نورث بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که سازمان‌ها الگوی کنش متقابل در جامعه را بر مبنای رهبری واحد سامان می‌بخشند. «نظام‌های اجتماعی چگونه به سازمان‌هایی ساختار می‌بخشند که الگوی کنش متقابل در جامعه را مشخص می‌کنند. این حقیقت که همه سازمان‌ها باید توسط افرادی رهبری شوند، مفهوم شخصیت و رابطه بین وجهه فردی و اجتماعی را مستقیماً به مفهوم نظام اجتماعی پیوند می‌زند» (North, 2018). شهید بهشتی تشکل را به معنای مجموعه‌ای از افراد در نظر گرفته است که بر اساس آرمان مشترک، ایمان مشترک، باور مشترک و نقطه‌نظرهای مشترک گرد هم می‌آیند تا جماعت بشوند. تشکل به این معنا انحصارطلب نیست و به گروه اجتماعی یا اقتصادی خاصی تعلق ندارد و زمینه را برای رشد اخلاق کار دسته جمعی و برای رشد استعدادها و شناخت و تربیت کادر و تهیه برنامه و قبول مسئولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر می‌سازد (Beheshti, 2024). نفی انحصار در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر تأمین نیازهای اساسی انسان در نظام اجتماعی مطلوب از ویژگی‌های راهبردی اقتصادی و اجتماعی عدالت‌محور است که با لحاظ آن‌ها عدالت زمینه و امکان بروز می‌یابد (Sobhani, 2018). حزب جمهوری اسلامی شاهد مثالی برای ایده‌برپایی تشکل‌های مردمی و محو انحصارطلبی از منظر شهید بهشتی است. در آن برهه تاریخی حزب به مثابه پدیده مدرن از سوی اسلام‌شناس صاحب صلاحیت و زمان آگاه مطرح می‌شود و مسئله سازمان‌یابی که مهم‌ترین ابزار بقا و بالندگی است، توضیح داده می‌شود. حزب برای ایشان تبلور ایده امامت جمعی است که همواره بر ضرورت شکل‌گیری آن تأکید شده است، یعنی همان امتی که باید یکایک اعضایش در دعوت به خیر تلاش برای استمرار خوبی‌ها و زودن پلیدی از چهره جامعه تلاش کنند (Beheshti, 2011).

شهید بهشتی معتقد است اساساً نظام اجتماعی عادلانه بدون شکل‌گیری تشکل‌هایی که بر پایه ارزش‌ها باشد، ارزش‌هایی که زیربنای برنامه‌ها و مقبول برنامه‌ریزان و اجراکنندگان برنامه و مسئولان اجرای برنامه باشد، هرگز پا نمی‌گیرد و دوام نمی‌آورد. نکته حائز اهمیت اینکه ایشان در نامگذاری مناقشه ندارد و با تبیین ابعاد گوناگون ماهیتی آنچه از تشکل مدنظر دارد به اشکال گوناگون ترسیم کرده است. «اسم این تشکل را بگذار حزب، بگذار سازمان، بگذار جمعیت، بگذار تشکیلات، بگذار منظمه، اینجا ما با اسم کاری نداریم» (Beheshti, 2017). برای پرهیز از بازنمایی نادرست لازم است تأکید شود سازمان‌ها متشکل از گروه‌هایی از افراد هستند که به لحاظ برخی اهداف مشترک گرد هم می‌آیند. بنگاه‌ها، اتحادیه‌های تجاری، شرکت‌های تعاونی نمونه‌هایی از سازمان‌های اقتصادی‌اند؛ احزاب سیاسی، مجلس سنا، مؤسسات نظارتی سازمان‌های سیاسی هستند؛ هیئت‌های مذهبی و کلوپ‌ها نیز نمونه‌هایی از سازمان‌های اجتماعی‌اند (North, 2018). فارغ از نامگذاری‌ها، در نظر شهید بهشتی در جامعه برپایی تشکلی که پیرامون آرمان‌های حق به وجود بیاید حیاتی است. به همین سبب نشانه‌های بارز و مختصات تشکل را بیان کرده است و در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در پی ایجاد تشکیلاتی با اصول یاد شده است تا جایی که ایجاد تشکیلات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بر پایه اسلام را از واجبات اساسی هر انسان متعهد آگاه مسلمان معرفی کرده است (Beheshti, 2011).

۵. بحث (الزامات چاره‌ساز)

در اندیشه نظام‌یافته شهید بهشتی هر جزء ارتباط منطقی با سایر اجزا دارد. ایشان با طرح الگوی اقتصاد تعاونی ویژگی‌ها و کارکردهایی برشمرده است که با فرض تحقق و اجرایی شدن، نظام اجتماعی به سوی برقراری عدالت اجتماعی در سطوح فردی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جریان پیدا می‌کند. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و الزامات در نظر ایشان به شرح زیر است:

۱,۵. تعاونی تولید و توزیع

در برنامه اقتصادی پیشنهادی شهید بهشتی، تعاونی‌های تولید و توزیع اساس کار است. از نظر ایشان شکل‌گیری مؤسسات تولیدی و توزیعی خصوصی منع قانونی ندارد، بلکه مطابق با اصول اقتصادی مدنظر ایشان، این مؤسسات معمولاً کوچک بوده و توسط یک یا چند نفر در شکل شرکت سهامی اداره می‌شوند. کارکنان این مؤسسات یا صاحبان سرمایه‌اند یا کارکنان آزادی که دریافتی آن‌ها معادل بازده واقعی کار آن‌ها است. با این ملاحظه که هر زمان خود را در معرض استثمار دیدند، بتوانند با استفاده از بند دو اصل ۴۳ قانون اساسی با سرمایه خود کار کنند. مجموع این ملاحظات منجر به این خواهد شد که بخش خصوصی هیچ نوع حاکمیتی بر کل اقتصاد جامعه و صاحبان نیروی کار نداشته باشد. در مقابل رقابتی سازنده میان سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی شکل می‌گیرد که به پیشرفت اقتصاد و شکوفایی استعدادهای خلاق و آزادی اقتصادی یاری می‌رساند و از تبدیل شدن دولت به سرمایه‌داری غول‌پیکر جلوگیری می‌نماید. به همین سبب، فقط صنایع مادر و صنایع نظامی و بخشی از خدمات سوق‌الجیشی در دست دولت خواهد بود (Beheshti, 2009). یکی از شروط مهم در تعاونی‌ها که به آن اشاره شد، رعایت اصل جدایی‌ناپذیری کار و سرمایه است. شهید بهشتی این اصل را در تعاونی تولید از ضروریات در نظر گرفته است. «در تعاونی‌های تولید نکته بسیار مهم این است که صاحب سهم حتماً در آن تعاونی شاغل باشد و تا وقتی بتواند صاحب سهم بماند که در آنجا شاغل باشد و اگر به هر دلیلی از آنجا بیرون رفت، دیگر حق صاحب سهم بودن را نداشته باشد» (Beheshti, 2014). یکی از دستاوردهای مهم شکل‌گیری تعاونی‌های تولید و توزیع، مقابله با سوداگری واسطه‌هاست. شهید بهشتی حذف واسطه‌ها در فرایند خرید و فروش را یکی از اهداف فعالیت تعاونی‌ها برمی‌شمرد. «آزاد کردن مصرف‌کننده‌ها از شر واسطه‌های غیرضروری در زنجیره مبادلات از دیگر نکات موجود در امر تعاون است که هم در تعاون تولید، هم در تعاون مصرف و هم در شکل جدید ترکیب تعاون تولید و مصرف دیده می‌شود که این امر در تعاون مصرف خیلی بیشتر است. در نظام‌های سرمایه‌داری، کالا چندین دست می‌گردد تا به دست مصرف‌کننده برسد که چنین روندی هیچ ضرورتی ندارد و کالا می‌تواند از تولیدکننده به دست مصرف‌کننده برسد، یا حداکثر یک یا دو واسطه در مقابل خود ببیند. بنابراین، این کاستن از واسطه‌ها و در حقیقت، مبارزه با اشتغال کاذب و عوامل کاذبی که بر تولیدکننده و مصرف‌کننده تحمیل شده‌اند، از اهداف تعاونی است» (Beheshti, 2014).

۲,۵. کارویژه دولت

شهید بهشتی بر تمایز میان بخش دولتی و بخش تعاونی با تکیه بر دو مؤلفه «مدیریت» و «مالکیت» تأکید می‌ورزد. «بخش تعاونی بر پایه خیلی از این اصول است. آزادی فردی، خودانگیختگی، انگیزه اقتصادی و در عین حال نبودن سودبری کلان، به هم درمی‌آمیزند و بخش تعاونی را به وجود می‌آورند. از دید ما، بخش تعاونی بخش بسیار گسترده‌ای است، منتها باید خوب هدایتش کرد. در اینجا خطری را به شما گوشزد می‌کنم و آن این است که در جامعه، حتی دوستان نزدیک ما، از تعاونی‌ای که مطرح می‌کنید، تعاونی دولتی را می‌فهمند، چون الان هم مثل این که شرکت «تعاون شهر و روستا» دولتی است و اگر این‌طور است، تعاونی نیست. اصلاً این چیزی که به نام تعاون دارید تعاونی نیست. ما برای تعاونی تعریفی کردیم. الان جلسه‌ای مشغول مشخص کردن خطوط تعاون است. بخش تعاونی، قطعاً باید بخش غیردولتی باشد، وگرنه، همان دولتی می‌شود. تعاونی باید مقدار زیادی از مزایای اقتصاد غیردولتی را تأمین کند. بخش

تعاونی یعنی آنجایی که دولت هیچ‌گونه نقشی در مدیریت و مالکیت‌اش نداشته باشد» (Beheshti, 2018). هم‌هنگام با دقت‌نظرهای شهید بهشتی در مرزبندی میان اقتصاد تعاونی و اقتصاد دولتی، ایشان به‌صراحت دولت را مسئول تأمین ابزار کار برای نیروی کار در نظر گرفته است و راهکارهای گوناگون با هدف تأمین منابع مالی این مسئولیت را پیش‌نهاده‌اند. «(بند دوم اصل چهل و سوم) یکی از کلیدهای اساسی حل مشکلات اقتصادی و حفظ شیوه نه شرقی و نه غربی در نظام اقتصادی ماست... تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی می‌شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد» (Beheshti, 2018).

منظور از دولت در بیان ایشان دولت‌های صالحی است که در برابر تأمین ابزار کار به استثمار نیروی کار اقدام نوزد. «دولت باید امکانات لازم برای فعالیت‌های تولیدی را به جامعه‌های دارای اقتصاد دولتی بدهد. در جامعه‌های دارای اقتصاد سرمایه‌داری، چنین امکاناتی در دست مراکز سرمایه‌داری است. در جایی که دولت تأمین‌کننده امکانات برای فعالیت‌های تولیدی است، باید دولت باتقوایی وجود داشته باشد که این امکانات را بدهد و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم را نگیرد. در کشورهایی که مراکز سرمایه‌داری تأمین‌کننده امکانات هستند، چنین تقوایی وجود ندارد که مراکز تولیدی را تجهیز کند و آنها را به بردگی نگیرند. تعاونی‌ها می‌کوشند که به صورت یک قدرت درآیند و چنان این امکانات را از درون خود یا از مراکز عمومی که در جامعه وجود دارد، گردآوری کنند و شکل دهند که اسیر چنین مراکز عرضه‌کننده امکانات نشوند. بدین‌ترتیب، مسئله دوم را می‌توان خط آزادسازی تولید کنندگان یا مصرف‌کنندگان از عوامل خارج از خود نامید» (Beheshti, 2014).

۳،۵. سرمایه بزرگ یا سرمایه‌دار بزرگ

تمرکز ثروت شدید، سرنوشت غیرقابل‌تغییری نیست که انسان با آن زاده شده باشد. از آنجا که دست‌ساز خود بشر است، می‌توان راه‌حلی جایگزین ارائه داد. باید پارادایم‌های موجودی که جهان را به این معضل رسانده به چالش کشاند. راه‌حل واقعی، پرداختن به علت است نه معلول، باید چهارچوب اقتصادی جامعه عادلانه را از نو طراحی کرد و به این منظور از نظامی که محرک آن صرفاً منافع شخصی است دور شد و به نظامی روی آورد که در آن منافع شخصی و جمعی به رسمیت شناخته شده ترویج و تکریم می‌شود (Yunus, 2024). راهکار شهید بهشتی در مقابله با سرمایه‌داری غول‌پیکر، ایجاد سرمایه‌های بزرگ است:

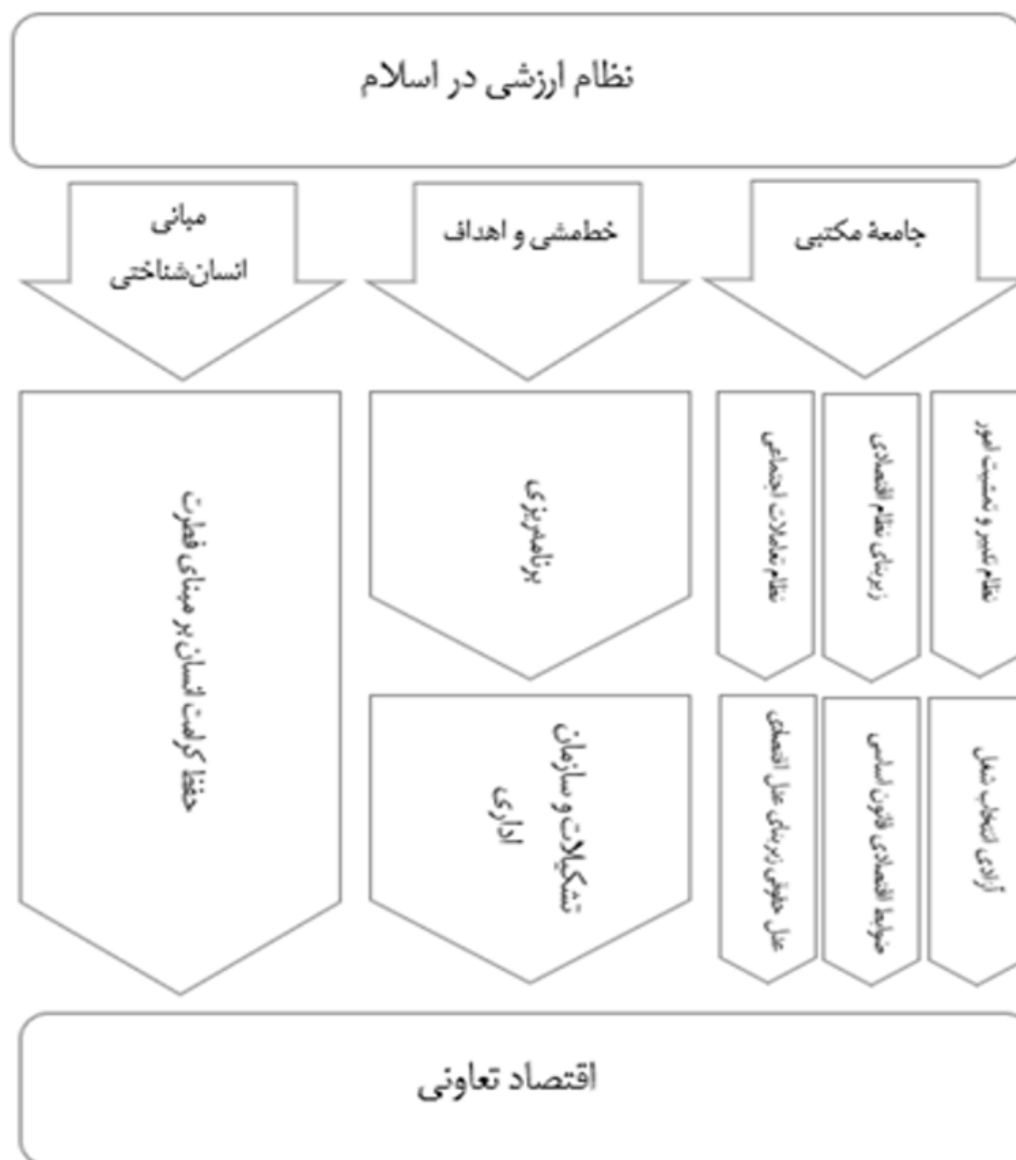
«درست است که برای انجام کارهای وسیع و پردامنه صنعتی و کشاورزی و ترقیات علمی و فنی در این دو زمینه بدون شک سرمایه‌های بزرگ لازم است، ولی سرمایه‌های بزرگ لازم نیست همیشه متعلق به شخص یا اشخاص معین و محدود باشد و راه ایجاد سرمایه‌های بزرگ منحصر در همین راه و شیوه معمول کشورهای سرمایه‌داری و گرفتن وام با بهره، کم‌بهره یا پر بهره از بانک‌ها نیست. برای ایجاد سرمایه‌های بزرگ راه‌های گوناگون دیگری هست که مدت‌هاست مورد توجه کارشناسان اقتصادی دنیا قرار گرفته است. با تشکیل شرکت‌های بزرگ سهامی، تعاونی تولید، تعاونی مصرف، تعاونی تولید و مصرف و... می‌توان سرمایه‌های بزرگ از سرمایه‌دارهای کوچک به وجود آورد و در راه ترقی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی به کار انداخت بی‌آنکه پای سرمایه‌داران و رباخواران به میان می‌آید. در این‌گونه شرکت‌ها اگر سودی به دست آید میان افراد بیشتری تقسیم می‌شود و به تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود نمی‌انجامد و

این کمکی به عدالت اجتماعی و تعدیل اقتصادی و راهی برای جلوگیری از به وجود آمدن سرمایه‌داران بزرگ عیاش و اسراف‌کار و تجمل‌پرست در جامعه و پیدایش فاصله‌های زیاد اقتصادی میان افراد امت است (Beheshti, 2015).

در واقع راه‌حل شهید بهشتی در تقابل با سرمایه‌داران بزرگ این است که با تشکیل شرکت‌های بزرگ سهامی، تعاونی تولید، تعاونی مصرف، تعاونی تولید و مصرف و... می‌توان سرمایه‌های بزرگ متعلق به سرمایه‌دارهای کوچک به وجود آورد و در راه ترقی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی به کار انداخت، بدون آنکه پای سرمایه‌داران و رباخواران به میان آید. (Beheshti, 2015). بنابراین برای تحقق این هدف ایشان به وجود آمدن سرمایه‌های بزرگ را منحصر به ایجاد امکانات وام‌های بزرگ اقتصادی ندانسته و یکی از راه‌های مؤثر شکل‌گیری واحدهای قدرتمند اقتصادی را ایجاد شرکت‌های تعاونی عنوان کرده است. به اعتقاد شهید بهشتی اگر شرکت‌های تعاونی بزرگ درست اداره شود، می‌تواند پس‌اندازهای مردم را با سود و زیان و نه با ربا به خود جلب نماید. به این ترتیب، اگر تعاونی سود کرد همه سود ببرند و اگر زیان کرد همه زیان ببرند. ایجاد مؤسسات بزرگ پرارزش تولیدی کشاورزی و صنعتی و توزیعی یعنی تجارتی، به راحتی با ایجاد جو درست و مطمئن و اعتمادساز از نظر اجتماعی برای ایجاد تعاونی‌های بزرگ میسر است (Beheshti, 2021).

۶. جمع‌بندی

چشم‌انداز کلی قانون اساسی در زمینه تعاون به منظور ایجاد بستری برای مناسبات عادلانه معنا می‌یابد. هر چند شهید بهشتی در عمل نیز مشوق تشکیل تعاونی بود، اما به علت عمر کوتاه (۵۳ سال) و مدت زمان کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قید حیات بود (۲۵/۵ سال) نتوانست تحقق آرزوهایش در این زمینه را به چشم ببیند. پرسش مهم آن است که آیا نظام جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه طراحان و سیاستگذاران برنامه‌های توسعه و مجریان آن در این راستا اهتمام ورزیده‌اند یا خیر. گزارش‌های معاونت تعاون وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی حکایت از آن دارد که در برنامه‌های پنج ساله توسعه سه دهه اخیر، هیچ اقدام مؤثری برای تحقق شاخص‌های هدف‌گذاری شده در توسعه بخش تعاونی صورت پذیرفته است، گویا علاقه و باوری در میان سیاستگذاران و مجریان در این زمینه وجود نداشته و ندارد (Beheshti, 2019). تحقق شعار اقتصاد مردمی با در اختیار قرار دادن ابزار تولید به صاحبان نیروی کار محقق و مشارکت عمومی در بخش تولید امکان‌پذیر می‌شود. عدالت زمانی دست‌یافتنی است که مردم پایه باشد. «توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها ایفاگر نقشی کلیدی در به وجود آمدن این اعتقاد در میان مردم است که آن‌ها دارای فرجام مشترکی هستند و نیز هنجارهای بنیادی آن‌ها هم با یکدیگر مشابه است. مادامی که منابع و فرصت‌ها به صورت عادلانه‌تری توزیع شوند، احتمال اینکه مردم منافعتشان را با دیگران مشترک بدانند و اینکه خودشان را متعلق به پیکره یک سامان اجتماعی بزرگتر ببینند، بیشتر است» (Desai & Potter, 2020). کشورهای مختلف به طرق متفاوتی اقدام به اجرایی‌سازی سیاست‌های عدالت‌آفرین کرده‌اند. ایده تعاونی در اصل ۴۳ قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران راه‌حل برپایی عدالت اجتماعی است. شرکت‌های تعاونی که در این اصل معرفی شده است سه ویژگی برجسته را نمایان می‌سازد: ۱. مالکیت و سرمایه در یکجا متبلور می‌شود؛ ۲. مدیریت به دست منتخبین صاحب کار و سرمایه است؛ ۳. از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر تسهیل می‌شود و سرمایه در دست دولت و سرمایه‌دار نیست. با تحقق این ویژگی‌ها اصالت کار در مقابل اصالت سرمایه معنا پیدا می‌کند. در نهایت به نظر می‌رسد شهید بهشتی به واسطه انتظام ذهنی و اسلوب روش‌شناختی خاص خود، آزادی و عدالت و توسعه را همراستا ساخته است. جهتگیری اقتصادی ایشان با نظر به آنچه بیان شد، بستری شبکه‌ای ایجاد کرده است که بر مبنای آن عدل اخلاقی زیربنای عدل حقوقی بوده و آزادی انتخاب شغل امکان بهره‌مندی فرد از حاصل کار خودش را فراهم می‌آورد. اشاره شد که اندیشه‌ورزان دو سیاست کلی با هدف تحقق عدالت پیش نهاده‌اند: تولید و توزیع. ایشان به دنبال ساخت اقتصادی است که نه به سرمایه دولتی می‌انجامد و نه به سرمایه خصوصی، بلکه امکان تولید همگانی را بارور سازد. تولید همگانی در اندیشه اقتصادی شهید



شکل ۱: مدل نظری اقتصاد تعاونی

بهشتی در دو سطح خرد و کلان معنا دارد. در لایه خرد این مهم در صنایع کوچک خویش‌فرمایی تبلور یافته است. در این سطح دولت موظف است از مجموع سرمایه‌های جامعه در اختیار همگان قرار دهد. در لایه کلان نیز از طریق تجمیع سرمایه‌های خرد همگانی، شکل‌گیری تعاونی‌ها برای ایجاد سرمایه‌های کلان (در تقابل با سرمایه‌داران بزرگ در نظام سرمایه‌داری) مطرح شد تا دو راه برقراری نظام عادلانه اقتصادی را ترسیم نماید (Beheshti, 2015).

۷. پیشنهادات

ناظر به نتایج و دستاوردهای پژوهش، پیشنهاد نخست و شاید یکی از اصلی‌ترین و آشکارترین آن‌ها بازگشت به میراث فکری متفکران مسلمانی همچون شهید صدر، شهید مطهری، امام خمینی(ره) و امام شهید انقلاب (رضوان‌الله‌علیه) و بازخوانی آرا و اندیشه‌های ایشان تا دستیابی به صورت‌بندی جامع از نظریه عدالت اندیشمندان مسلمان است که چراغ راه جمهوری اسلامی ایران در مسیر تحقق گوهر ناب عدالت باشد. پیشنهاد دوم اینکه با دستیابی به مؤلفه‌های نظریه عدالت شهید بهشتی می‌توان حکم به کارآمدی این نظریه و ظرفیت‌های بی‌بدیل برای راه‌های برون رفت از وضع موجود داد. بدون شک در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری تحلیل و ارزشیابی وضع موجود به دور از سیاه و سفیدهای ژورنالیستی و واکاوی منصفانه فرازوفروود تحقق عدالت اجتماعی ضروری است. به نظر می‌رسد هر گونه مداخله، خط‌مشی عمومی و قانونگذاری برای اقامه و بسط عدالت اجتماعی در جامعه امروز ایران نیازمند شناخت، توصیف و ارزشیابی وضع موجود است. با تکیه بر مؤلفه‌های عدالت در چهار ساحت فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی امکان شناسایی و تشریح انحراف از معیارها و موانع موجود فراهم آمده است.

۸. تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تعارض منافی در انجام یا انتشار این پژوهش وجود ندارد.

References

1. Abazari, Y. (2020). *Market Fundamentalism* (3rd ed.). Tehran: University of Tehran Press.
2. Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2021). *Why nations fail: The roots of power, wealth, and poverty* (M. Mirdamadi & M. H. Na'imipour, Trans.). Tehran: Rowzaneh Publications.
3. Barron, L. (1995). *Content Analysis* (M. Ayniduzi Sarkhabi & M. Shiani, Trans.). Tehran: Shahid Beheshti University Press.
4. Beheshti, M. H. (1982a, September). The Role of Cooperatives in Eradicating Exploitation. *Jihad*, (40), 28–57.
5. Beheshti, M. H. (1982b, November). Cooperatives: The End of Separation of Labor and Capital. *Jihad*, (41), 36–69.
6. Beheshti, M. H. (2009). *Islamic Republic Party, Detailed Positions*. Tehran: Boqeh.
7. Beheshti, M. H. (2011). *Islamic Republic Party, Discourses, Conversations, Writings*. Tehran: Roozaneh.
8. Beheshti, M. H. (2013). *Lectures on Philosophy of Religion*. Tehran: Roozaneh.
9. Beheshti, M. H. (2014). *Cooperative Economics*. Tehran: Roozaneh.
10. Beheshti, M. H. (2016). *Banking, Riba and Islamic Financial Law*. Tehran: Roozaneh.
11. Beheshti, M. H. (2018a). *Economic System in Islam (Applied Discussions)*. Tehran: Roozaneh.
12. Beheshti, M. H. (2018b). *Economic System in Islam (Theoretical Discussions)*. Tehran: Roozaneh.
13. Beheshti, M. H. (2018c). *Three Kinds of Islam* (4th ed.). Tehran: Roozaneh.
14. Beheshti, M. H. (2018d). *Velayat, Leadership and Clergy*. Tehran: Roozaneh.
15. Beheshti, M. H. (2021). *In the School of Qur'an, Series of Tafsir Lectures (3, 5, 6)*. Tehran: Roozaneh.
16. Beheshti, M. H., et al. (2015). *Recognition of Islam* (2nd ed.). Tehran: Roozaneh.
17. Beheshti, S. A. (2022). *The Political Thought of Shahid Beheshti*. Tehran: Roozaneh.
18. Bikran Behesht, M. (2019, December). Politics; the Missing Ring of the Cooperative Movement. *Goftogu*, (82), 35–58.
19. Blaikie, N. (2011). *Designing Social Research* (H. Chavoshian, Trans., 5th ed.). Tehran: Ney.
20. Derakhshan, M. (2002, December). The Role of Cooperation in the Transformation of Economic Thought and Policy-Making. *Cooperative & Agricultural Journal, New Series*, (135), 16–21, 55–56.
21. D'Souza, V., & Potter, R. B. (2020). *Along with Development Studies* (A. Khalandi, Trans.). Tehran: Nehadegar.
22. Farhadi, M. (1990). Types of Self-Help and Their Variations. *Roshed Journal of Social Sciences Education*, 44–49.
23. Farhadi, M. (1992). Bonah-ology: Research Background and Critique of Views on the Origin of Bonah. *Social Sciences Journal (Allameh Tabatabai University)*, (3–4), 97–124.
24. Farhadi, M. (2008). A Typology of Mutual Assistance and Traditional Cooperatives in Iran. *Humanities and Social Sciences Research Journal*, (2), 13–60.
25. Ghanbarian, M. (2025, May 11). *Cooperation; the Forgotten Sector of Iran's Economy*. Retrieved from https://eitaa.com/m_ghanbarian/5934
26. Griffin, K. (1996). *Economic Development Strategies* (H. Raghfar & M. H. Hashemi, Trans.). Tehran: Ney.

27. ICA. (2015). *Guidance Notes on the Co-operative Principles*. <http://www.ica.coop>
28. Mirzaei, M., et al. (2015). *Iran's Macroeconomic Indicators and Domains* (Vol. 4). Tehran: Tehran Municipality.
29. Momeni, F. (2016). *Political Economy of Development in Today's Iran* (3rd ed.). Tehran: Naqsh va Negar.
30. North, D., Wallis, J. J., & Weingast, B. (2018). *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History* (B. Zoghi Rudsari, Trans.). Tehran: Shirazeh-e Ma.
31. Raghfar, H. (2021). *State, Corruption and Social Opportunities: Theories in the Political Economy of Development* (4th ed.). Tehran: Naqsh va Negar.
32. Schumacher, E. F. (2019). *Small Is Beautiful: Economics as if People Mattered* (A. Ramin, Trans., 9th ed.). Tehran: Soroush.
33. Sobhani, H. (2018). *Justice-Oriented Economics* (3rd ed.). Tehran: Soroush.
34. Standing, G. (2021). *Corruption in the Rentier Capitalist System: Why Rent-seeking Is Rewarded but Productive Work Is Not* (F. Chaharband, Trans.). Tehran: Nehadegar.
35. Stiglitz, J. (2024). *Economics and the Good Society: The Freedom Hayek Didn't Know* (S. A. Beheshti, Trans.). Tehran: Roozaneh.
36. Torabzadeh, M. S., et al. (2020). *Islamic Theory of Social Justice*. Tehran: Imam Sadiq University.
37. Wright, E. O. (2012). Transforming Capitalism through Real Utopias. *American Sociological Review*, 78(1), 1–25.
38. Yunus, M. (2024). *A World with Three Zeros: New Economics of Zero Poverty, Zero Unemployment, and Zero Carbon Emissions* (M. Ghorbani, Trans.). Tehran: University of Tehran Press.
39. Yusefi, A. A. (2016). *Cooperative Economics from the Islamic Perspective* (2nd ed.). Tehran: Research Institute of Culture and Thought.
40. Zali, M. (2023, Spring). From Liberal Justice to Iranian Libertarianism. *Jomhuri Quarterly*, (1–2), 294–313.
41. Ziyaifar, M. H. (2022). *The Rights of the Nation from the Viewpoint of Ayatollah Dr. Beheshti*. Tehran: Roozaneh.
42. Zol'olm, A. (2018). *Justice-oriented development: Indicators, strategies, and requirements* (2nd ed.). Tehran: Organization for the Publication of the Research Institute of Culture and Islamic Thought.